

تاریخ چاپ و چاپخانه در نجف^۱

محمد هادی امینی

ترجمه: فرزانه آجرلو

پس از پایان تألیف و چاپ کتابم با عنوان «معجم رجال الفكر و الادب فی النجف خلال الف عام» در سال گذشته پدرم علامه امینی، آن مجاهد بزرگ، تألیف دو معجم دیگر که از لحاظ فکری مرتبط با تاریخ نجف و در زمینه فرهنگ نجف بود، به من پیشنهاد نمود:

الف: معجم مؤلفات نجفیه، شامل تألیفات اهل قلم و پیشگامان علم و ادب و فن در نجف در طول هزار سال در تمامی زمینه‌های علمی، از جمله فقه، اصول، ادب، علم النفس، قانون و دیگر فعالیت‌های فکری با اشاره به مؤلف هر یک و تعیین نسخه به لحاظ چاپی یا خطی در کنار سایر خصوصیات و مشخصات آن که در اثر آن تواناییهای روحی و تلاش‌های فکری موفقیت آمیز در ظاهری زیبا بر صفحات آن بروز می‌یابد.

ب: معجم المطبوعات النجفیه: حاوی کتب، جزوه‌ها، مجلات و روزنامه‌هایی که از زمان ورود چاپخانه‌ها به نجف تا به امروز در آنجا چاپ شده است، همراه با ذکر نام کتاب و مؤلف و تاریخ چاپ و عدد صفحات با اشاره به وفات مؤلف (در صورت فوت) و یا تاریخ ولادت او (در صورتی که در قید حیات باشد).

بدون شک، این دو معجم نیازمند تلاشی سخت و کوششی طاقت‌فرسا و زمانی طولانی بود و این علاوه بر کار سخت فکری که پژوهشگر مطبوعات یا مؤلفات نجفیه بطور کلی با آن روبروست. چرا که میراث فکری نجف و ارزشهای انسانی و زیباییهای والای هنری آن، نیازمند بحث و تحقیق و تنقیب طولانی است. زیرا بسیاری از این چاپخانه‌ها یا انتشارات در گذر روزگار از میان رفته و یا فراموش شده‌اند، و از آنها جز نامی و یادی باقی نمانده است و حتی نشانی از آنها نیز نیست، اما من به حول و قوه و توفیق الهی، توانستم فکر تألیف معجم مطبوعات نجفیه را در قالب یک کتاب تحقق بخشم، این پس از آنی بود که کتابخانه‌های عمومی و خصوصی نجف و کنج خانه‌ها را به دنبال یک کتاب چاپی در نجف و یک فعالیت فکری منبعث از فکر مسکین و مظلوم نجفی است جستجو می‌کردم.

در این مسیر رنج‌ها و سختیهای فراوان بود، این کار مدتی مورد اهمال قرار گرفت، و به کناری افکنده، بدست فراموشی سپرده شد و مؤلف به بخت بیچاره خود در این حیاتی که در آن جرعه جرعه غصه نوشیده، می‌گریست.

صحبت و گفتگو پیرامون مسائل «نویسنده نجفی» حاکی از سختیهای بی‌نهایت است. این که همواره با وجود تناقضات و فقدان مقیاس و میزان در جامعه، در صحنه علم و ادب به مبارزه مشغول بوده و با قدرت، به ابداع و انتاج نیروهای فکری پرداخته و آنرا مشعل فروزنده‌ای در ظلمات و راههای تاریک و پیچیده و پر از خار و جریان‌های منحرف فکری برای مردم، قرار داده است. نیز پرده فریادهای حماقت‌بار الحادی را برایشان کنار زده و تمامی موانع را از مسیرشان با قلم و هنرش از میان برداشته است.

^۱ این مقدمه ترجمه مقدمه معجم المطبوعات النجفیه یا فهرست کتابهای چاپی در نجف است که توسط مرحوم محمد هادی امینی فرزند مرحوم علامه امینی در سال ۱۳۸۵ ق (۱۳۴۴ش) منتشر شده و بنابراین اطلاعات آن مربوط به سالهای پیش از آن تاریخ است.

شاید سخن از نویسنده نجفی و شرایط او، و حیات معنوی و مادی و اجتماعی، فروش، ما را از اصل بحث دور کند و بی‌شک چنین است، از اینرو، این بحث و سخن گفتن از آن را به مجال دیگری وامی‌گذارم و به این نکته می‌پردازم که دانشگاه بزرگ نجف، مشارکت بزرگ و مؤثری در فعال ساختن جریان فکری و تمدن فرهنگی داشته و این پس از آنی است که صنعت چاپ، یکی از قوی‌ترین عوامل رشد و نمو در جوامع انسانی و از مظاهر پیشرفت فکری و زیستی ملت‌ها گشت.

چاپ در تاریخ

«طباعة» از نظر دلالت لفظی به معنای نمودار ساختن تصاویر با انتقال آن از صفحات یا حروف یا مهرهایی است که تصویر بطور وارونه به روی آن رسم شده است و با فشار و از طریق جوهر یا رنگ منتقل می‌شود. مانند چاپ کتب، پارچه، نقش‌ها، برگه‌ها و غیره. در بعضی موارد همچون چاپ به روی فلز و یا چاپ کتب نابینایان و دیگر مطبوعات برجسته، از جوهر و رنگ استفاده نمی‌شود. ساختن تصاویر اصلی از طرق مختلفی صورت می‌گیرد: در یک روش خطوط یا کلماتی که باید چاپ شود به روی صفحاتی از مس که صیقل داده شده، کنده می‌شود و پر از جوهر می‌گردد و سطح مس پاک می‌شود بگونه‌ای که چیزی از جوهر به روی آن باقی نمی‌ماند، مگر درون حفره خطوط، پس ورق به روی آن فشرده می‌شود و خطوط بر آن رسم می‌گردد. و یا اینکه برجستگی‌هایی به روی قطعه‌هایی از چوب یا فلز کنده شده و با دست یا ابزاری چاپ می‌شود، مانند چاپ پارچه و نقش‌های عادی کتب.

در روش دیگر با جوهر روغنی و یا قلمی خاص به روی سنگ نقشی کشیده می‌شود، سنگ با آب خیس شده و هنگامی که جوهر چاپ کشیده می‌شود تنها به سنگ می‌چسبد و باقی اجزاء سنگ خیس آنرا پس می‌زند و نقش از آن با فشار به روی ورق منتقل می‌شود. این چاپ مخصوص و معروف به چاپ سنگی است. در روش دیگر نیز، صفحاتی که حروف و اجزاء پراکنده از آن منتقل می‌گردند گرد آمده، هر یک در کنار دیگری بر حسب اقتضاء قرار می‌گیرد. از مجموع آنها صفحه‌ای بوجود می‌آید که بعضی از نقاط آن برجسته و بعضی نقاط فرورفته است. جوهر چاپ به نقاط برجسته سطح مذکور برخورد کرده و به روی ورق منتقل می‌شود. این روش در فرانسه با عنوان **الترنچور** و در انگلیس **الکامپوزیشن** شناخته می‌شود و شامل بر نوعی از چاپ است که بر صفحات کنده شده تکیه دارد، صفحاتی که نقش مورد نظر بصورت برجسته وارونه به روی آنها ظاهر می‌گردد و این اکنون موضوع بحث ماست.

صنعت چاپ قدمت زیادی ندارد، به نظر می‌رسد چینی‌ها در بکارگیری آن در چاپ کتب بر دیگر ملل پیشی گرفته‌اند و از قرن ۶ میلادی با آن آشنا بوده‌اند، اما تا پیش از قرن دهم انتشار نیافت. زمانی که دوتن از وزراء از درخواست کردند (سال ۹۳۲ م) که دستور تصحیح بعضی کتب و چاپ آنها دهد و تا آن زمان تنها بر نسخ آن اکتفا می‌کردند. امپراطور پذیرفت و آنها شروع به کار کرده و تا بیست سال بر آن مداومت داشتند تا پایان یافت. تا اواخر قرن سیزده میلادی کتب چاپی آنها بیشتر شامل مؤلفات ادبی قدیم بود.

نظر دیگری وجود دارد مبنی بر اینکه قدیم‌ترین مطبوعات چوبی معروف در اروپا به روی پارچه بوده و مطلقاً ارتباطی با کتب نداشته، اما هنگامی که استفاده از ورق رایج شد، در چاپ تعداد زیادی از تصاویر قدیسین نیز بکار گرفته شد. ورق بازی نیز که در قرن ۱۴ و ۱۵ به وفور انتشار یافت، و تقویم‌هایی که به روش چاپ چوبی و جوهر چاپ که از مناج و روغن ساخته می‌شد، چاپ می‌گردید. اینها همه از موارد چاپ به روی یک ورقه است، و بیش از سه هزار نمونه از آنها که متعلق به قرن ۱۵ است موجود است که قدیمی‌ترین آن مربوط به سال ۱۴۱۸ م است، تصویر مریم عذراء در حالیکه ایستاده و مسیح را در آغوش دارد.

روش چاپ کتب به این صورت بوده است که طرح مورد نظر را به روی ورق می‌نوشتند و این صورت مکتوب را به روی قطعه‌ای چوب سخت که دارای سطحی نرم است می‌اندازند و جوهر نوشته از صفحه به چوب منتقل می‌شود. سپس جایی را که جوهر به آن نرسیده حک می‌کنند و کلمات برجسته ظاهر می‌شوند. آنگاه سطح آنرا با جوهر پاک کرده و کاغذی را به روی آن قرار داده و پشت آنرا پاک می‌کنند، غالباً دو صفحه را به روی یک سطح کاغذ چاپ می‌کنند و بر سطح دیگر آن چیزی چاپ نمی‌کنند، و بین دو صفحه حاشیه‌ایست که این دو صفحه آنرا در برمی‌گیرند. در چین از عهد شاهان خاندان سینگ در سال ۹۶۰-۱۲۷۹ م تاکنون کتابهایی چاپ شده و این چاپ قدیمی عبارت است از انتقال مطبوعات از قالب‌های کنده شده از چوب.

سپس چاپ با حروف مختلف رایج شد و مبلغان مسیحی آنرا در کشورشان به وفور بکار می‌بردند، اما همواره چاپ قالبی را نیز بکار برده، آنرا بر حروف متفرقه ترجیح می‌دهند، این به جهت تعدد حروف در زبان آنها و سختی بکارگیری صدها حرف در این زبان است. گفته می‌شود که ژاپنی‌ها چاپ را از زمانهای دور از چینی‌ها گرفته‌اند و به روش اصیل آنها عمل کرده‌اند و استفاده از حروف متفرقه مربوط به دوران اخیر است.

از گفته‌ای شیشرون و قدیس ابرونیموس و دیگر افراد بر می‌آید که قدما اگرچه با صنعت چاپ آشنا نبوده‌اند اما در بعضی از صنعت‌هایشان حرف متفرقه استفاده می‌کرده‌اند مانند سفالگران روم که بر روی بعضی از ظرف‌هایشان نیز اسامی سازندگان با حروف متفرقه چاپ می‌شده است و مؤید آن چاپ حروف وارونه است که در بعضی از آنها به اشتباه، سر آن در پائین قرار گرفته است.

در اواخر قرن دوازدهم، بافندگان ایتالیا و اسپانیا و صقلیه، در چاپ نقوش به روی منسوجات از جمله حریر و پنبه، روش چینی‌ها را که با استفاده از جوهر و قطعاتی از چوب کنده شده است بکار می‌بردند و با همان روش ورق بازی را نیز چاپ می‌کردند، تا اینکه در اوائل قرن پانزدهم به کندن تصاویر دینی به روی چوب که در بالا یا پائین آن چند خط درباره آن موضوع بود روی آوردند و آن را بصورت صفحات گوناگون چاپ کرده و بر افزودن نوشته‌ها و کوچک نمودن حجم تصاویر مداومت نمودند تا آنکه کتبی را از این طریق جمع آوری کردند. قدیم‌ترین این متون متنی است که در سال ۱۴۲۳ م چاپ شده و تا به امروز موجود است. تورات معروف به اسم «تورات الفقراء» را نیز در سال ۱۴۲۰ م یا ۱۴۰۰ م یا ۱۴۳۰ چاپ کردند و آن کمی قبل از اختراع حروف متفرقه و مجزا در اروپاست. این گونه آثار که کتب «لوحیه اولی» نامیده می‌شود و احتمالاً پیدایش آن در ابتدا در هلند بوده است که صنعت کتب لوحیه در آن بیش از جاهای دیگر انتشار یافته‌است. نمونه این کتب لوحیه تنها تعداد کمی باقی مانده و بیشتر متون آن به لاتین بوده است، از نمونه‌های این کتب، «تورات الفقراء» برگرفته از آلام مسیح، «مرآت الخلاص الانسانی»، «فن الموت»، «تاریخ انجیلی یوحنا قدیس» می‌باشد. کتب لوحیه عده‌ای نیز به چاپ رسیده است که حاوی متون لاتین و تقویم و کتب داستانی و دیگر کتب است. از جمله عواملی که باعث ترویج چاپ و سرعت اکتشاف آن بوده است، انتشار آثار دینی و گرایش به علم و اشتیاق علاقه‌مندان دین و علم، به مطالعه است، به طوری که توان ناسخان از عهده برآوردن نیاز این علاقه‌مندان بر نمی‌آمد. تا زمانیکه فرنگی‌ها به اختراع حروف متفرقه و چاپ جدید دست یافتند، تاریخ نویسندگان درباره اختراع این حروف اختلاف دارند. هلندیها، لورنس کوستر از هرلم را مخترع آن می‌دانند که وفاتش در سال ۱۴۳۲ م بوده است.

گوتنبرگ یکی از کارگران وی بوده که این اختراع را سرقت کرده و ادعا نموده که اختراع اوست. اما وان دولند این ادعا را رد کرده و معتقد است که کوستر صاحب مغازه‌ای بوده که در آن از چربی (پیه) شمع می‌ساخته است. بعضی نیز بر این باورند که مخترع حروف متفرقه، حنافوست می‌باشد. و بعضی نیز می‌گویند که مخترع آن، پطرس شوهر است.

دانشمندان آلمان و افراد زیاد دیگری نیز مخترع آن را جان گوتنبرگ متوفا به سال ۱۴۶۸ م در منتس می‌دانند و معتقدند که او سعی در تقلید خطوط ناسخ داشته تا کتابهای چاپ شده‌اش را به قیمت کتاب‌های نسخ شده به اشتباه بفروشد و این سبب دست یافتن او به این اختراع شده است. ایتالیائیها بکارگیری صنعت چاپ را در سال ۱۴۶۵ م در سویوکو شروع کردند و در سال ۱۴۶۹ م چاپخانه‌ها در پاریس و سیلان و بند قید ایجاد شدند. در سال ۱۴۷۴ م نیز این صنعت وارد انگلیس شد و همواره این چاپخانه‌ها در پیشرفت و رواج در نواحی اروپا بوده‌اند تا جایی که تعداد آنها در سال ۱۵۰۰ م در حدود ۲۰۰ چاپخانه بوده است.

چاپ عربی در اروپا

اما در باب مطبوعات حروفی عربی، قدیم‌ترین کتاب معروف، فرامین داود است که در سال ۱۵۱۶ م در ژنو چاپ شده و پس از آن تورات عربی ترجمه سعید فیومی است که یهودیان در سال ۱۵۵۱ م در آستانه آن را چاپ کرده‌اند. از این چاپخانه اثری جز این تورات نیست. کتاب مزامیر داود به زبان عربی و حروف سریانی با ترجمه به سریانی در سال ۱۵۸۵ م در چاپخانه‌ای که رهبان مارقزحیا در دبیری در لبنان آنرا بنا نموده و قدیم‌ترین چاپخانه سوریه است. پس چاپ عربی در غرب بطور عام انتشار یافت و طی آن انجیل در رومیه در سال ۱۵۹۱ م و قانون ابن سینا در سال ۱۵۹۳ م و تورات در سال ۱۶۷۱ م و قرآن در هامبورگ در سال ۱۶۹۴ م.

بعد از این مرحله، ناپلئون با ورود به مصر در سال ۱۷۹۸ م، همراه با خود چاپخانه‌ای را به آنجا وارد کرد که مطبوعات آن منحصر به فرامین و منشورات ناپلئون بود. پس از آن چاپخانه محلی بولاق ایجاد شد که محمدعلی پاشا آنرا تأسیس نمود و قدیم‌ترین چاپ آن معجمی عربی ایتالیائی است که در سال ۱۸۲۲ چاپ شده است. از آن پس چاپخانه‌های عربی در بیشتر نواحی شرق بنا شدند و در لبنان و سوریه و بعضی شهرهای ترکیه، مصر، هند، تونس، ایران، مراکش و زنگبار و غیره گسترش یافتند.

حروف اجزائی هستند که صفحات آماده چاپ از آنها تشکیل می‌شوند و از ترکیبی از فلزات که به عنوان فلزاتی حروفی معروف هستند ساخته می‌شوند. این فلزات ترکیبی از سرب، آنتیمون و قلع هستند که مقداری مس نیز به آن می‌افزایند. مقدار این فلزات بر اساس تشخیص سازنده آنها و میزان سختی یا نرمی، استحکام و نفوذناپذیری آن مختلف است.

مهم‌ترین آنها سرب است که به عنوان فلز اصلی حروف مقداری آنتیمون به آن افزوده شده و سختی آن بیشتر می‌گردد. افزودن تصویر نیز بر تراکم آن می‌افزاید. از ویژگی‌های فلز حروف آنست که نوعاً به آسانی ذوب می‌شود و نیاز به حرارت زیادی ندارد و هنگامی که در قالب ریخته می‌شود در تمامی اجزاء قابل نفوذ وارد شده، و به سرعت سرد و منجمد می‌شود. این حروف و تجارت با آن از مشاغل آزاد و متداول در همه جا و از صناعات سودآور است. روند ساخت حروف از

شکل قدیمی‌اش به روندی جدید رشد یافت، روندی که جمع میان سبک و قالب است. در این روند سرعت حرکات چاپ با حروف متفرقه دارای انواع جوهر است که کارخانه‌هایی برای ساخت آن ایجاد شده است و میان آن و دیگر انواع جوهر به لحاظ موادی که در ترکیب آن استفاده می‌شود و خاصیت آن مواد تفاوت بسیاری است.

این جوهر باید نرم بوده و به سطح حروف بچسبد و انتقال آن از حروف به سطح ورق با فشار، آسان باشد و حروف با اشکالشان بطور واضح بر آن نقش می‌بندند. از ویژگی‌های این جوهر اینست که کمی پس از انتقال به ورق به سرعت خشک می‌شود و نرمی خود را حفظ کرده و در بافت ورق نفوذ می‌کند و عوامل مکانیکی آنرا از بین نمی‌برد و در طول ایام ثابت بوده، با مواد خورنده ترکیب نمی‌شود و جوهردان را نیز از بین نمی‌برد.

ظاهر جوهر خوب برای چاپ، روغنی، برآق، صیقلی و خالی از حباب است. اگر با دست تماس یابد به شدت به آن می‌چسبد و وقتی از آن جدا می‌شود چیزی مانند نخ‌ نازک از آن آویزان می‌گردد.

چاپ و چاپخانه‌های نجف اشرف

به موازات تحول چاپ و عوامل و اسباب آن در نواحی پیشرفته که انگیزشی جدید در جنبش فکری جهان بود، این صنعت به عراق نیز نفوذ کرد و در بغداد تعدادی چاپخانه بزرگ ایجاد شد. اما نیاز نجف به این صنعت شدید و مبرم بود زیرا محور جنبش‌های فکری و قطب فعالیت‌های فرهنگی محسوب می‌شد و دانشگاه بزرگی بود که همواره مورد توجه پیشگامان علم و ادب و نوابغ فضیلت در تمامی شهرها بوده تا بر آثار علمی آن اشراف یافته و از بناهای فکری اساتید آن بهره‌برند و از این‌رو همواره هجرت به آن تاکنون ادامه داشته، از زمانی که شیخ طائفه ابو جعفر محمد بن الحسن طوسی در سال ۴۴۸ به آنجا مهاجرت کرد و مدت ۱۲ سال در آنجا تدریس نمود.

مدارس علمیه در نجف پذیرای صدها تن از دانشجویانی است با زبانها و ملیتهای گوناگون، که به نجف آمده‌اند تا در سایه آن از علومش بهره‌برده و از آبشخور آن سیراب گردند. بسیاری از آنها در راه رسیدن به مرتبه اجتهاد، به یک جنبش تألیف اقدام کرده‌اند، جنبشی که در میان حلقات علوم و آداب - تقریرات - بی‌نظیر بوده و حیات علم و ادب وابسته به آن است.

سخن‌پیرامون زوایای تاریخی، علمی، ادبی و هنری نجف اشرف گوارا و زیباست و سرشار از زندگی و پویایی و بیداری معنوی. این آثار فکری و فعالیت‌های فرهنگی و تألیفات و مطبوعات که همه عراق را فرا گرفته، دلیل واضحی است بر پویایی شخصیت معنوی نجف. محقق، پس از الهام به این جوانب بی‌منتهای فکری و تأمل در میراث نجف و پژوهش‌های علمای و ادباء آن، باید آخرین کلامش در موضوع شخصیت جاودان نجفی باشد.

اما آیا این بدان معناست که محقق نوپای ادبی، بر بلندی بایستد و نجف را با نظرات بی‌خردانه بنگرد و پیکان انتقادات سست و بی‌اساس خود را متوجه آنان سازد و در این راه به نگاهی گذرا و سطحی اکتفا نموده و نظر اخیرش را مبنی بر اینکه هیچ پویایی و پیشرفت و پختگی و تألیف و کتابی در دانشگاه بزرگ نجف نیست بیان نماید.

دانشگاه بزرگ نجف و باب «مدینه علم النبی الاقدس (ص)» در تحول عجیب و شکوفایی فکری پرشکوهی است و محقق که تمام این جوانب را دریابد، فقط او به آسانی می‌تواند نظری صحیح و یا نزدیک به صحیح درباره پویایی، تمدن و ادب دانشگاه نجف و خدمات بزرگی که به میراث عقلی و تمدن انسانی ارائه نموده داشته باشد و کیست که تأثیر شخصیت نجفی در کیفیت بخشیدن به جنبش‌ها و جهش‌ها بعد از آنکه توفیق مبارزات و حرکات فکری و قیامهای مردمی منوط به تأیید کامل نجف و کمک مادی و معنوی آن گردید را مورد انکار قرار دهد. در دیگر حرکات علمی و فکری نیز وضع به همین منوال است، و از این‌رو این آثار را در هر زمانی بوضوح می‌یابیم، که در این شخصیت در زمینه علم و ادب و مبارزه مردمی و بطور کلی در هر زمینه‌ای پیداست.

این امر بر پویایی فکری و مناعت و قوت شخصیت فرهنگی نجف و عظمت رسالت آن که از زمان تأسیس در جهان بروز یافت و در برابر حوادث روزگار و تحولات فکری و سیاسی آن با شجاعت و ثبات ایستاد دلالت می‌کند.

اگر سابقه مبارزه حزبی و سیاسی آن در طول ایام درخشان بوده باشد، مبارزه علمی و جهاد فکری آن معجزه‌ای فکریست که در جهت تربیت هزاران محقق و مورخ و فقیه و شاعر عمل کرده است. کاری که طبیعت با بذر پاک و صالح در خاک حاصلخیز در طول هزاران سال می‌کند، به رغم شرایط سختی که طی کرده و به اهل آن هیچ فرصتی برای بهره‌مند شدن از کمی استقرار و آرامش را نداده است.

آری، شخصیت نجفی به رغم این شرایط و قبائل متوحش و درنده‌خویی که به غارت و قتل و تخریب آن دست می‌زنند، امکان ثبات و امنیت را در حالی که بقیه ملت‌های مجاور از آن بهره‌مندند به آنها نداده و پویایی و نشاط خود را نیز از دست نداده است بلکه اثر فراوانی بر کیفیت بخشیدن به حرکت فکری و جهت دهی تمدن فرهنگی با وجود انفعال از بعضی شهرها و حوزه‌های علمیه داشته است. اما این حوزه‌های فرهنگی و دانشگاه‌های علمی با وجود ارتباط با یکدیگر با تکیه بر خود، معجزه فکری بزرگی را بوجود نیاورده‌اند، بلکه به واسطه دانشگاه بزرگ نجف و از طریق آن موفق به آن گشته‌اند.

حقیقتاً باید بگوییم: زعامتی که شخصیت نجفی در تمامی زمینه‌ها از قرن‌های اول بدان دست یافت، نتیجه تلاش‌های علمی و ادبی آن و سعی در حفظ میراث فکری و نگهبانی از آن است، در زمانیکه مغول میراث عظیم اسلامی را دستخوش نابودی قرار داد و می‌رفت تا هر اثری از آثار علمی و ادبی مسلمین را محو سازد.

نهضت علماء در هر زمینه‌ای و بازسازی این میراث فکری اسلامی از اینجا برمی‌خیزد اما با عقل و قلم و ذوق نجفی، و اثر آن بوضوح در انواع علوم نقلی پیداست. همانگونه که درباره عالمان آن در کتابم «معجم رجال الفکر و الأدب فی النجف خلال ألف عام» سخن گفتم.

بطور خلاصه، دو حرکت علمی و ادبی که در گذشته و هم‌اکنون دانشگاه بزرگ نجف متولی آن بوده، در تمامی ادوار و حتی در علوم نقلی و عقلی در اوج خود بوده است و از اینجا بر دو امر مهم آگاه می‌شویم:

۱- شخصیت نجفی بنا بر طبیعتش بسیار مشتاق و مایل به علم است و با هر جنبش یا دعوتی که براساس علم و ادب باشد همراه بوده و با هر بهانه‌ای خود را به آن منسوب می‌کند. جای شک نیست که گرایش‌های فکری و انگیزه‌های فرهنگی در این شخصیت به تمامی ریشه دوانیده است.

ب- محیط نجف همواره از زمان دفن شهید بیت‌الهی و باب مدنیة علم النبی الاعظم (ص)، مولانا امام امیرالمومنین علی بن ابی طالب (ع)، خاک حاصلخیزی برای رشد حرکات علمی داشته و خاکش مناسب رشد علم بوده است. این خاک به برکت وجود این شخصیت مقدس که ذات آن محسوس به ذات خداوند سبحان است، طهارت و طیبیت یافته است و در این کوچکترین غرابت یا مبالغه‌ای نیست.

خداوند از دیرباز شخصیت نجفی را به عنوان الگویی علمی برای تمام عالم اسلام مقدر فرموده است، بطوری که از همه مناطق به سوی آن می‌آیند تا ملت‌های اسلامی از منابع سرشار از علم و حکمت آن بهره‌برند، نجف مکانی است که حفظ و احترام و تقدیس آن هر اندازه که نیازمند بذل مال و تلاش باشد واجب است.

در هر صورت، این شخصیت برای یک نجفی، نیازمند چاپخانه‌ایی بود تا فعالیت و انتقال تولیدات فکری به کشورهای دور را برایش ممکن سازد، تا کلامش را بیان نموده و به زمینه جهانی وسعتی تحول یابد و از عالم تنگ و محدود خود خارج گردد. بدین ترتیب بود که در اوائل ربع دوم قرن چهاردهم هجری چاپخانه‌هایی را وارد نمود و بسیاری از نسخ نفیس و ارزشمند را استخراج نمود و بخش کوچکی نیز مکتوبات بی‌ارزش. پس از مدتی، این چاپخانه‌ها افزایش یافت و پیشرفت نمود و به لحاظ فنی تا حدود زیادی رشد پیدا کرد. تا جاییکه تقریباً با چاپخانه‌های قاهره و بیروت برابری می‌کرد، و همواره به موازات تحول حرکت فکری نجف گسترش یافت و به همراه آن افق تألیف و نگارش نیز وسعت پیدا کرد.

به همین دلیل است که امروزه در نجف چاپخانه‌های قدیم و جدید بسیاری را می‌یابیم که بعضی از آنها فرسوده و فروخته شده و از آنها اثری جز مطبوعات و منشوراتشان باقی نمانده است. این مطبوعات کتابخانه‌های اروپا را پر کرده و تمام دنیا به آنها روی آورده و مشتاق بهره‌بردن از آنها هستند. این به جهت بهره فکری موجود در آنها، در کنار تحقیق و تدقیق در استخراج نسخ خطی نفیس در انواع علوم است. ایرادی که بر صاحبان این چاپخانه‌ها در سال‌های اخیر وارد است، این است که آنها تاریخ چاپ کتب و رسائل را به روی آنها ذکر نکرده‌اند، شاید هم برای این عذری داشته‌اند. به نظر من سبب آن بوده است که بخش زیادی از این کتب و رسائل در شرایط سیاسی خاص و مراحل بحرانی که نجف پشت سر گذاشته چاپ شده است و صاحبان چاپخانه‌ها و ادار به عدم چاپ کتب اسلامی شده‌اند و نظارت بر آنها اجازه مخالفت با سیاست حکومت وقت نمی‌داده است، از این رو بدون تاریخ چاپ می‌شده‌اند. سلطه کمونیسم بر عراق نیز مانع از چاپ کتب اسلامی و عقیدتی و هرآنچه در خدمت کمونیسم نبوده، بوده است. همین‌طور در زمان حکومت تاریک بعث و دیگر ادوار تیره طوائف ساکن در آنجا که به دنبال کسب قدرت در عراق بوده‌اند. از قوی‌ترین انگیزه‌های ایجاد چاپخانه‌های نجف، سختی و رنجی است که از ناحیه چاپ کتب و بعضی رسائل در چاپخانه‌های دور از نجف، متوجه بزرگان علم و فقه بوده است. چنان که برخی از نوشته‌های خود را به رغم هزینه مالی سنگین، به دلیل نامساعد بودن شرایط به بغداد یا حتی خارج عراق می‌فرستادند.

اکنون به معرفی چاپخانه‌های نجف می‌پردازیم:

۱- چاپخانه حبل‌المتین

اولین چاپخانه ایست که از راه دریایی - بصره - به اشاره صاحب آن، نویسنده جسور، سیدجلال الدین حسینی کاشانی، از هند به نجف آورده شد، سیدجلال الدین آنرا برای برادرش در نجف، فاضل جلیل، مرحوم سیدمحمدعلی حبل‌المتین فرستاد. سابقاً در کلکته مجله معروف «حبل‌المتین» چاپ می‌شد و سیدمحمدعلی جد سادات آل حبل‌المتین است که در نجف و بغداد ساکن بوده‌اند و در آنجا بعضی کتب عربی و فارسی و مجلات و جرائد و شماره‌هایی از مجله علم و مجله فارسی غربی را در سال ۱۳۲۷ چاپ کرده است. در زمان جنگ جهانی این چاپخانه تعطیل و منحل و ادوات آن فروخته شد.

۲- چاپخانه علویه

چند ماه پس از تأسیس چاپخانه حبل المتین، جماعتی از تجار و اهل علم در نجف گرد آمدند و این چاپخانه را به جدیدترین شکل آنروز وارد کردند، که شامل بر تعدادی چاپگر آهنی در حجم‌های مختلف و چاپگری سنگی (سال ۱۳۲۸هـ) بوده است. در ایام محاصره نجف در سال ۱۳۳۶هـ، بعضی از حروف آن به غارت رفت و برای استفاده در ساخت تفنگ ذوب شد. مابقی حروف نیز از بین رفت و آلات آن نیز شکسته شد. این چاپخانه تحت مدیریت سید محمود علوی متوفی به سال ۱۳۸۲هـ بوده است.

۳- چاپخانه حیدریه

این چاپخانه توسط حکومت اشغالگر، برای چاپ منشورات و اعلامیه‌های ویژه‌شان، به نجف وارد شد. و پس از پایان محاصره نجف شیخ صادق کتبی و برادرش آنرا از حکومت انگلیس خریده و کتب دینی بسیاری را چاپ کردند. پس از آن دو، این چاپخانه به ورثه شیخ صادق رسید که تعدیلات بسیاری را در آن وارد ساخته و آنرا تبدیل به چاپخانه‌ای جدید کردند. در حال حاضر، این چاپخانه تحت مدیریت محمد کاظم کتبی، نظارت برادرش محمد حسین بوده و همواره نسخه‌های نفیس خطی و کتب دینی را به چاپ می‌رساند. این چاپخانه، نقش چاپ را در تولید از زمان شکل‌گیری آن بیشتر و گسترده‌تر ساخت و اهتمام صاحب آن - ابوصادق - به چاپ کتب خطی و عرضه مطبوعات کم‌نظیر که سختی‌ها و مشکلاتی را برای ایشان در پی داشته، موجب تشکر از ایشان است که تلاشی مأجور و مشکور در راه خدمت به میراث اسلامی ارائه داشته است.

۴- چاپخانه مرتضویه

از چاپخانه‌های سنگی خوبی است که در سال ۱۳۴۰ق تأسیس شده و صاحب آن شیخ صادق و شیخ محمد ابراهیم کتبی بوده‌اند و در آن شماری از کتب دینی و کتب زیارات، ادعیه، رجال و غیره چاپ شده و پس از وفات صاحبانش به پسر شیخ صادق، محمدکاظم به ارث رسید. وی ابزار آلات جدید و دیگر مایحتاج یک چاپخانه به روز را به آن اضافه نمود. زیرا چاپ سنگی از آلات ناکارایی شمرده می‌شد که نیازی به آن نبود، وی چاپخانه حیدریه را نیز به این چاپخانه ملحق نمود و آن دو را یکی کرد.

۵- چاپخانه علمی

این چاپخانه از چاپخانه‌های سنگی است که در سال ۱۳۵۲ق وارد نجف شده و صاحب آن مرحوم شیخ محمد ابراهیم کتبی است. در این چاپخانه صدها کتاب به چاپ رسیده و پس از وفات شیخ به فرزندان ایشان رسید که در آن تحولات زیادی ایجاد نموده و ابزار آلات جدیدی به آن افزودند. این چاپخانه از چاپخانه‌های پیشرفته در نجف محسوب می‌شود. پس از سال‌ها آنرا به بغداد منتقل ساختند و در خیابان متنبی با نام «مطبعة الارشاد» همچنان به کار خود ادامه داده است.

۶- چاپخانه غری

چاپخانه‌ای قدیمی است که در سال ۱۳۳۹ق تأسیس شده و صاحب آن شیخ محمد علی صحاف می‌باشد. این چاپخانه از چاپخانه‌های سنگی است که کتب را در حجم‌های مختلف، و نیز منشورها و اعلامیه‌ها را نیز چاپ می‌کرده است. پس از وفات شیخ، به پسر بزرگ ایشان، عبدالرضا مطبعی رسید و میرزا خلیلی نیز در آن به کار مشغول بوده، و در آن کتب ارزشمند و دایرةالمعارف‌های نفیس چاپ شده است. پس از چند سال میرزا خلیلی آنجا را ترک کرده و عبدالرضا و برادرانش آنرا «مطبعة الغری الحدیثه» نام می‌نهند. این پس از تحولات بسیار و اضافه نمودن آلات جدید به آن است. این چاپخانه در نشر تولیدات نجف مشارکت فعال و خوبی داشته است.

مرحوم شیخ محمدعلی مطبعی با همتی عالی، فعالیت‌ها و تلاش‌های مداومی را در امر شکل‌گیری مطابع نجف مبذول داشته و در زمانی که صنعت چاپ در نجف ناشناخته بوده، چاپگری چوبی ساخت و آن را به حکومت وقت اهدا نمود و جایزه‌ای بزرگ گرفت. این چاپگر در موزه عراق تا دوران اخیر در دسترس بود.

۷- چاپخانه دارالنشر و التألیف

از چاپخانه‌های جدید و ممتاز و از نفیس‌ترین چاپخانه‌های زمان خود بود. صاحب آن، استاد شیخ العراقین. عبدالرضا آل کاشف الغطاء است. چاپخانه مذکور، عمری طولانی داشت و مجله «الغری» در آن چاپ می‌شد. به دنبال بیماری صاحبش و ترک آنجا، فعالیت‌های چاپخانه متوقف و چاپخانه تعطیل و فروخته شد و آثار آن از بین رفت.

۸- چاپخانه الراعی

از چاپخانه‌های آهنی بزرگ، خوب و جدید است. صاحب آن استاد جعفر خلیلی است. مجله راعی، هاتف و فجر در آن چاپ می‌شد. استاد در سال ۱۳۶۷ق به بغداد سفر نمود و در آنجا چاپخانه‌ای تأسیس کرد.

۹- چاپخانه الزهراء

نجف از زمان تأسیس چاپخانه در آن تا به امروز، چاپخانه‌ای جدیدتر و بهتر از این به خود ندیده است. صاحب آن میرزا خلیلی چندین بار به ایران و قاهره برای آگاهی از روند چاپخانه‌های آنجا سفر کرد و لوازم و مواد و حروف لازم برای چاپ را با خود آورد. طی مدت کوتاهی، نفیس‌ترین کتب و مطبوعات ارزشمند و نایاب را به خوبی و همراه با تصحیح و تصحیف چاپ نمود. پس از مدتی طولانی آن را به بغداد منتقل کرده و در خیابان متنبی مستقر ساخت.

۱۰- چاپخانه نجف

از چاپخانه‌های ممتاز نجف است که در سال ۱۹۵۵م تأسیس شده و صاحب آن استاد شیخ عبدالهادی اسدی است. وی با همت عالی و فعالیتش توانست چنین چاپخانه مهمی را ایجاد کرده و بسیاری از کتب فقهی و علمی بزرگ را چاپ کند. این فعالیت‌ها ادامه داشته و تولیدات برجسته آن در کنار آرامش و اخلاق کریمه استاد که مشرف بر چاپ این کتب بوده، انتشار یافته است.

۱۱- چاپخانه نعمان

این چاپخانه که در سال ۱۳۷۶ق تأسیس شده، از چاپخانه‌های خوب و بزرگ و مجهز به جدیدترین وسائل چاپ، تصحیف و انواع ابزار آلات است. وجه تمایز آن، چاپگر اینترنتی موجود در آنست و صاحب آن حسن‌الشیخ ابراهیم کتبی، طی مدت کوتاه عمر آن، صدها کتاب علمی و ادبی و نشریات و مجلات و نسخه‌های نفیس خطی را با همت و فعالیت عالی به چاپ رساند.

۱۲- چاپخانه قضاء

از چاپخانه‌های جدیدی است که در سال ۱۳۷۶ تأسیس شد. و صاحب آن استاد سیدابراهیم بن سیداحمد فاضلی، مدیر مسئول مجله عدل و موسس جمعیت «التوجيه الدینی فی النجف» است که به فعالیت و همت و اخلاق فاضله معروف می‌باشد. این چاپخانه دهها کتاب و نشریه و روزنامه را در هر ماه چاپ کرده و در جهت حمایت از حرکت فکری و دینی در نجف با قوت تمام عمل نموده است.

۱۳- چاپخانه آداب

آخرین چاپخانه‌ای که در نجف در سال ۱۳۷۷ق تأسیس شد و صاحب آن عبدالعزیز بغدادی، ابزار آلات جدید و حروف خوب و کارگران ماهری را برای آن فراهم نمود. از این رو در کوتاهترین مدت پیشرفت محسوسی نمود و مؤلفان، مطبوعات و تألیفاتشان را از همه‌جا به این چاپخانه می‌آوردند. فعالیت‌های این چاپخانه تحت مدیریت موسی بغدادی، برادر عبدالعزیز ادامه داشت و نمونه خوبی و زیبایی و نظافت و دقت بود. به گونه‌ایکه چاپ فنی آن در حدی نزدیک به مطبوعات قاهره و بیروت بوده و در ایام اخیر، ابزارآلات صحافی مطبوعات به روش فنی به آن اضافه شد.

۱۴- چاپخانه صاحب الذریعة

در سال ۱۳۵۴ق، هنگامی که شیخ آقا بزرگ طهرانی، صاحب ذریعة، اقدام به چاپ دایرةالمعارف با عنوان «الذریعة إلى تصانیف الشیعة» نمود، چاپخانه ویژه‌ای را همراه با ادوات آن فراهم آورده و مکانی را در خیابان امام حسین (ع) - الجبل - برای آن اجاره نمود و شروع به کار کرد. این چاپخانه کارش را با چاپ آیت الکرسی در یک صفحه شروع کرد و پس از آن جزء اول ذریعة را چاپ نمود، اما به دلایلی توسط پلیس مصادره شد و در سال ۱۳۵۵ در مزایده‌ای به فروش رسید. شیخ محمدعلی صحاف آن را خریداری کرده و به چاپخانه غری منتقل کرد.

۱۵- چاپخانه دارالکتب التجاریه

چاپخانه‌ای کوچک برای چاپ کتب و نشریات، متعلق به مرحوم شیخ محمدرضا کتبی، صاحب مجله عدل اسلامی است. در آن، بسیاری از نسخه‌های خطی دینی و ارزشمند چاپ شده، اما پس از وفات شیخ فروخته شد و ابزار آلات آن از بین رفت. نام دیگر این چاپخانه «مطبعة العدل الاسلامی» است.

۱۶- چاپخانه دارالحکمة

در سال ۱۹۶۱ تأسیس شده است. صاحب آن سید حمید الحکیم آن را از بغداد با خود آورده و شروع به کار کرد، بعضی کتب و نشریات در آن به چاپ رسیده، اما چاپ خوبی از آنها صورت نگرفته است. به دلایل فنی در سال ۱۹۶۳ فروخته شد.

۱۷- چاپخانه باقر

سید محمد باقر خراسان در سال ۱۹۶۳، چاپخانه دارالحکمه را خرید و آن را «مطبعة الباقر» نام نهاد. او به این چاپخانه، حروف و ادوات جدید و خوبی را افزود و کتب و نسخ نفیس خطی را چاپ نمود. این کار به مدت یک سال کامل ادامه داشت و با توجه به بازگشت صاحب آن به بحث و مطالعه، که منجر به ترک چاپخانه و بستن کتابخانه آن - مکتبه الباقر - گردید، فروخته شده و اجزاء آن به دیگر چاپخانه‌های نجف داده شد.

شاید چاپخانه‌های جدیدتری نیز تأسیس گردد، اما نکته مهم آنست که این چاپخانه‌ها، چه آنها که باقی مانده و چه آنها از بین رفته‌اند، در حمایت از جنبش فکری و فعالیت فرهنگی در نجف بطور مستقیم و فعال مشارکت داشته‌اند، و رقابت علمی میان صاحبان آنها این گسترش و تحوّل عظیم و تنوع را در چاپ ایجاد نمود، تا جایی که انتشارات بغداد منشورات و مطبوعات خود را به آنجا گسیل می‌داشت.

بطور کلی می‌توان گفت، بعد از این مرحله، باب تألیف و تحقیق و چاپ و نشر در برابر هر ادیب، عالم و مورخی کاملاً باز بوده و هیچ عذر و بهانه و کوتاهی پذیرفته نبود و بر همگان بود تا مسئولیت علمی و ادبی‌شان را به بهترین وجه ادا نمایند. خوانندهٔ معجم المطبوعات النجفیه خواهد دانست، افزایش شماره‌های مطبوعات در نجف، نتیجهٔ این تحول فنی در دنیای چاپ بوده و مطبوعات نجف بازارهای گرمی را در دنیا ایجاد نموده، قطب بزرگی را در این کار شکل دادند و کربت مهمی را در کتابخانه‌های عراق کسب کردند.

لازم است بدانیم اولین متنی که اولین چاپخانهٔ نجف - حبل المتین - آن را چاپ کرده، چه کتابی بوده است. شاید بعضی خوانندگان دربارهٔ آن سؤال و جستجو کنند، اما تشخیص و تعیین دقیق آن دشوار است، زیرا متون چاپ شده دارای تاریخ روز و ماه چاپ نیستند، اما می‌توان قدیمی‌ترین کتابی را که دارای قدیمی‌ترین تاریخ است نام برد، و آن مجله‌ای فارسی است که تحت عنوان «الغری» در نجف چاپ می‌شده و تنها دو شماره از آن به چاپ رسیده و از چاپ آن ممانعت شده است.

اما کتبی که بعد از این تاریخ یعنی سال ۱۳۲۷ق چاپ شده بسیار است. این افزایش از زمانی که مردم به اهمیت کتاب و کتابخانه‌ها پی بردند تاکنون ادامه داشته است. کتاب فراتر از اهمیت فرهنگی آن از نظر تمام اقشار موضوعی پویا به حساب می‌آید. به دنبال چاپ کتاب بود که نجف جهشی جسورانه داشت، جهشی که آثار آن در عرصهٔ چاپ واضح است. به‌عنوان نمونه، قیام کتابخانه‌های مهم نجف گامی بزرگ در این امر بوده و بطور خاص توجه به مطالعه‌کنندگان و مؤلفان و فراهم آوردن وسائل و امکانات رفاهی برای ایشان و تهیه منابع و کتب از خارج به حساب کتابخانه‌ها و تعیین جوایز مالی و خریداری مقادیر زیادی از مطبوعات نجف و توزیع رایگان آن که تمامی اینها از حمایت‌های نهضت فکری نجف شمرده می‌شود.

بدون شک کتاب یکی از وسایل تربیت عمومی و بیدارسازی احساسات و عواطف است. کتاب در تحول پیوست جوامع و تغییر شکل حیات جامعه بسیار موفق بوده است.

از اینجا ارزش کتاب و تأثیر آن در ساختارهای اجتماعی و نتایجی که مطابق صلاح یا فساد آن در اصلاح یا افساد ادراک عمومی دارد پیدا می‌شود. در هر حال کتاب از اولین وسائل افزایش اطلاعات انسانی و ارائه اطلاعات بسیار به عقول بشری بدون نیاز به انتقال و مشاهده است، بلکه به مجرد خواندن کتاب این اطلاعات بدست می‌آید.

این پدیده منجر به رشد فراوان کتابخانه‌های عمومی و خصوصی و ایجاد ساختمان‌های بزرگی برای آنها شده است، به عنوان مثال در انگلستان و امریکا، شروع آن با تصویب قوانینی بود که به دولت اجازه می‌داد تا مالیات خاصی را برای ساختمان کتابخانه‌های عمومی به منظور اشباع علاقه‌ی خوانندگان عادی و نه برای خدمت به محققان در نظر گیرد.

در گذر ایام، کتابخانه‌ها یکی از عوامل اساسی تمدن گشته‌اند، این به جهت اهمیت اجتماعی ایست که غربیها معمولاً برای کتابخانه‌ها بخصوص در شهرهای بزرگ قائل هستند، و همواره چنین مبالغی نه تنها از ناحیهٔ دولت و شهرداریها، بلکه در حد بالایی از ناحیهٔ افراد خیر و متمول به آن اختصاص می‌یابد و این تشویق‌کنندگان کتابخانه‌ها در دنیای جدید شخصیتی محبوب می‌شوند، در حالیکه پیش از آن شخصیتی بی‌نظیر بوده‌اند.

اولین بار، اندرو کارنجی دست به این اقدام زد که در ایام حیاتش امکانات لازم برای ایجاد نزدیک به دو هزار کتابخانه را تهیه و وقف نمود. وی همچنین میلیونها دلار، تنها به کتابخانه‌های الحاق شده در نیویورک اهدا نمود.

آنچه بیان می‌دارد، اویکا اهمیت کتابخانه‌های عمومی و کتاب و تأثیر فراوان آن در افراد را چگونه ارزیابی می‌کند، این است که تعداد زیادی از هواداران کتاب در آنجا، درهای کتابخانه‌های خصوصی‌شان را برای خوانندگان عام بازگذاشته و یا این مجموعه‌ها را به عنوان هدیه به کتابخانه‌های عمومی تقدیم می‌کنند، بطوری که در کتابخانه‌های دانشگاهی بگونه‌ای خاص بسیاری از مجموعه‌های حجیم و ویژه را می‌یابیم که ایجاد آنها مدیون لطف افراد متمول است.

بدینگونه بسیاری از صاحبان ثروت در امریکا به مزایده‌های علنی اروپا اهمیت داده و با توجه به سرمایهٔ فراوانش بر رقبای اروپایی غلبه می‌یابند و تعداد فراوانی از کتب نایاب راه از جمله نسخه‌های خطی و یا اولین متون چاپ شده یا صحافی‌هایی که دارای ارزش تاریخی بالایی هستند، برای کشورشان به ارمغان می‌آورند. در واقع، این تحول در مسیر کتابخانه‌ها و پیشرفت عظیم تولیدات ادبی، برخاسته از اشتیاق تمام مردم به مطالعه و یادگیری است. این علاقه بود که فعالیت خارجی و داخلی این کتابخانه‌ها را احیا نمود و این کتابخانه‌ها به واسطهٔ استقبال فراوانی که امروزه کتابخانه‌های غرب شاهد آن هستند و تجلیل و تقدیس آنها از ناحیهٔ مردم، شکوفا گردید، زیرا مردم می‌دانستند که این کتابخانه‌ها مرکزی پویا هستند که به منظور نشر فرهنگ عمومی و از بین بردن بی‌سوادی ایجاد شده‌اند و کتابها تنها در جهت تحقق اهداف علمی بکار برده می‌شوند، به معنای ساده‌تر کتاب و سلیقه‌ای برای نشر فرهنگ است.

این عملکرد ملت امریکا و انگلیس از اواسط قرن نوزدهم است، اما در آلمان کتابخانهٔ دانشگاه گوتینگن مدتی طولانی نمونه‌ای قابل الگوگیری بوده است، چرا که پیش از پایان این قرن در تحقق بخشیدن به بخش بزرگی از افکار جدید موفق بوده و طرح‌های ساماندهی جدیدی همانگونه که در فرانسه و اسکانديناوی بوده است در آن ظهور کرده است.

اما در عراق و ایران، نقطه مقابل این جریان را می‌بینیم. ملت عراق تا به امروز به معنای کتاب و ارزش و حیات‌بخشی و تأثیر آن را ندانسته و بسیاری از افراد آن را اسباب اسراف و تبذیر و بیهودگی می‌دانند که هیچ فایده‌ای در جمع و بکاربردن آن نیست. اینها اطلاعات زیادی در این موضوع ندارند. ملت عراق از ارزش کتاب و کتابخانه و تأثیر آن در عرصه تمدن انسانی غافل بوده و عمق آن را در نیافته‌اند. کسانی هستند که در طول عمر خود حتی یک کتاب هم نخوانده‌اند و کتابی را به دست نگرفته و به آن نگاهی هم نداشته‌اند و بر این باور بوده‌اند که اطلاعات انسانی و دریافت‌های علمی تنها از طریق اشیاء پیرامون انسان حاصل می‌شود و به هر میزان که تماس انسان با این پدیده‌ها بیشتر باشد، اطلاعات و علمش نیز بیشتر می‌گردد. از این‌رو، کسی که به کشورهای مختلف سفر کرده و سرزمین‌های گوناگون را دیده و با مردم زیادی در ارتباط بوده است بر حجم فراوانی از علم و دانش آگاهی یافته و نسبت به فردی روستایی که همیشه در روستا بوده و نگاهش از دایره‌ای محدود فراتر نرفته و همواره محصور در آن بوده و توان گذر از این حدود و محیط آنجا را به لحاظ فکری نداشته، اطلاعات بیشتری خواهد داشت.

نظرات سخیف و بی‌اساس از این دست که بسیاری از افراد ملت براساس آن گمان می‌کنند که کتاب و کتابخانه‌ها نیاز به استعداد خاص و یا فطرت رشد یافته ندارند و ایجاد آنها عمل کودکانه‌ایست که با متن زندگی ارتباطی ندارد، همه اینها ناشی از جهل فراگیری است که بیسوادی و غلبه آن بر این ملت مسبب آنست. قشر فرهیخته ملت عراق، در واقع کسانی هستند که فضای قهوه‌خانه‌ها و کازینوها و کاباره‌ها با رفت و آمد آنها از طلوع فجر تا نیمه‌شب پر بوده و ساعاتی طولانی از روزشان را با نشستن در این مکان‌ها و پرسه‌زدن در مقابل مغازه‌ها سپری کرده و نیرو و توانشان را در امور بیهوده و بی‌ارزش و آنچه به دور از (ارزش‌های) جامعه ما و شأن نفوس انسانی است صرف می‌کنند و حتی یک ساعت هم در شبانه‌روز به مطالعه کتاب یا رفتن به کتابخانه، نه خدای ناکرده برای مطالعه و خواندن کتاب، بلکه برای دیدن مطالعه‌کنندگان در آنجا و تأمل در احوال و شرایط ایشان و سیر تألیفات و تحقیقات آنها اختصاص نمی‌دهند، تا بدانند که کشورها نیازمند قلم‌های کسانی هستند که بیشترین تلاششان را در آداب و فرهنگ عمومی می‌ذول می‌دارند. برای اینکه درباره مسائل و مشکلات ما بنویسند و میراث فکری ما را با ارائه افکار و عواطفشان به ما احیاء نمایند. این فرصت خوبی خواهد بود برای درک میراث فکری و اصالت خویش و تأمل در خود و زیستن در محیط خود و تمرکز بر ادبیات خود و رشد و گسترش آن.

امروزه [به تاریخ تألیف مقاله توجه داشته باشید] در عراق طبق آخرین سرشماری، بیش از چهل هزار معلم و افراد دیگری وجود دارند که در زمینه آموزش و امور درسی فعالیت می‌کنند و بدون شک این تعداد در افزایش مستمر است. پس فعالیت‌های این قشر فرهیخته محترم کجاست، نه فقط در علم و ادب، بلکه در نقاشی و پیکرتراشی و هنر و موسیقی و تألیف و هر آنچه از انواع ادبیات که مفید و نافع است.

شاید از من بپرسند آیا انتظار داری که معلمان واعظانی باشند که آشکارا امر و نهی می‌کنند و مستقیم و بی‌پرده به نصیحت و اندرز می‌پردازند و یا می‌خواهی که همه معلمان در کسوت محققان و جامعه‌شناسانی درآیند که پدیده‌های اجتماعی را بررسی کرده و نظریات را وا می‌نهند.

نه، منظور من آن نیست که معلمان به بستر نمونه‌های عالی و ارزش‌های والای انسانی تحوّل یابند، بلکه از آنها می‌خواهم تا قهوه‌خانه‌ها و کاباره‌ها را ترک گفته، خود را به نگارش و تألیف وادارند و وظیفه و رسالت خود را دریافته، هر یک با روش خاص و هنرمندانه خود توان و استعدادهايشان را نمایان سازند و تصویر حیات و حقائق جامعه و حالات مردم را ارائه نمایند.

من ادیب را به موضوع خاصی محدود نمی‌کنم و به عرصه خاصی متوجه نمی‌سازم. در نظر من آن دسته از آثار هنری که در بردارنده نوعی تکلف باشند فاقد ارزش هستند. ما می‌خواهیم که معلم در اطلاعاتش محدود به آنچه در مدرسه و مراحل تحصیلیش فراگرفته نبوده و نگاهش را متوجه جامعه عراقی نماید، و با تدبّر و تفکر در احوال جامعه، خود را به آن مشغول سازد و در مسائل و موضوعات ادبی و تاریخی و هنری بیندیشد.

افرادی که در نظام آموزشی عراق، در زمینه تحقیق، تألیف و مطالعه فعالیت دارند تعداد بسیار کمی هستند بطوری که به آسانی به شمارش می‌آیند. انتشارات مختلف، تألیفات و تحقیقات ارزشمند و جاودانه‌ای را از اینها به چاپ رسانده‌اند، این علاوه بر مقالات سودمند و مفیدست که در روزنامه‌ها و مجلات از این افراد به چاپ رسیده و نماینده عقیده راسخ و فرهنگ جامع و کمال یافته آنهاست.

به خوبی به یاد دارم که در کتابخانه آمریکایی دنفر، گزارشی از فعالیت‌ها و پیشرفت‌ها را در سال ۱۹۴۷ به چاپ رسانده و بیان داشته که توانسته است در مدتی حدود چهل سال پس از تأسیس آن بیسوادی را از کشورش که جمعیت آن در حدود ۱۵۸ هزار نفر است به تمامی بزدايد و تاکنون همواره در جهت نشر فرهنگ و دانشی وسیعتر در نهایت جدیت تلاش نموده است. شاهد بر این میزان پیشرفت آنست که تعداد کتب موجود در آن، در زمان افتتاح آن به سال ۱۸۴۲، ۳۵ هزار جلد بوده و اکنون به پانصد هزار جلد، تقریباً معادل سه برابر جمعیت آنجا رسیده است.

آنچه دارای اعتبارست، تعداد مجلدات کتابخانه‌ها نیست، بلکه میزان کاربرد و استفاده از آنهاست. از اینرو می‌بینم که مهم‌ترین و فعال‌ترین بخش این کتابخانه، بخش توزیع آنست، همانگونه که برجسته‌ترین، فعالیت آن، رساندن کتاب توسط ماشین‌هایی است که به این منظور فراهم شده‌اند، به ساکنین نواحی و روستاهای مجاور، کشاورزان مزارع، کارگران کارخانه‌ها و بیماران بیمارستان‌ها. از اینجاست که - بنابر گزارش موجود - به ندرت می‌توان خانه‌ای را یافت که صاحب آن در

اوقات فراغت در حال مطالعه‌ی متنی که بر آگاهی و اطلاعش می‌افزاید نباشد. خانم خانه در دستش کاتالوگ‌هایی است از انواع فنون آشپزی، و کودکان نیز با کتابهایی سرگرمند که با تصاویر طنز و جالبی که اشاره به معانی مختلفی دارد آراسته شده‌اند. خدمتکاران نیز مشغول مطالعه‌ی داستان و توصیه‌های بهداشتی و غیره هستند.

ما معلمان را به این بهره و لذت معنوی فرا می‌خوانیم و بر آن تشویق می‌کنیم تا در حمایت از تمدن فکری مشارکت نموده و دانش‌آموزان را به مطالعات پیرامونی تشویق سازند و در تمامی جوانب زندگی فرهیخته گردند تا نسل آینده بحول و قوه‌ی الهی اشتیاق و ارتباط و انس بیشتری با کتاب و کتابخانه داشته باشند.

درباره فهرست کتابهای چاپ نجف [معجم المطبوعات النجفیه]

در هر حال به دنبال تحول فراگیر در صنعت چاپ و لوازم آن و شکوفایی چشمگیر آن در سال‌های اخیر در نجف اشرف چاپخانه‌ها فعالیت فرهنگی مداومی را آغاز نمودند که در زمینه‌ی فرهنگ بین‌المللی به میزان زیادی شناخته نشده است. اگر این فعالیت پویا و این پیشرفت فکری متمرکز و واضح نمودار می‌شد، حمایتی قوی از شخصیت نجف بطور خاص و عراق بطور عام محسوب می‌شد و در مجموع ابزار مفیدی می‌بود که بررسی سیر این چاپخانه‌ها و تولید و جهت‌دهی آن در مسیری پرفایده و سودمند را برای محقق ممکن می‌سازد.

حقیقت آنست که بیان این فعالیت فرهنگی با وجود اختلاف انواع و صورت ظاهری آن، اسباب اطلاع نسبت به پیشرفت علمی دانشگاه بزرگ نجف و میزان آگاهی فرهنگی آن را در امر فرهنگ عمومی و نیز آنچه در آینده دستیابی به آن در این مسیر انتظار می‌رود برای پژوهش‌کنندگان فراهم می‌آورد تا آن را به منظور حصول دو هدف طبیعی و مقدسش عملی سازد:

اول: تعریف حیات و عالم بطور کامل در جایگاهی که دانشگاه بزرگ نجف در فرهنگ عمومی بدان دست یافته است.

دوم: فراهم آوردن تحقیقات و منابعی که آکادمی‌های علمی و محققان و پژوهشگران برای حمایت از نهضت فرهنگی و جهت‌دهی آن به هدف تصدّی مسئولیت تحقیق‌بخشی به منافع کشور و نیز تکمیل نواقص آن و گسترش آن با لوازم قدرت و استمرار، به آن نیاز دارند.

معجمی که پیش روی داریم به منظور تحقق بخشیدن به این دو هدف والاست و در آن رویکردها و مقاصد این کار تبیین شده است. این معجم شامل ابواب فعالیت‌های فرهنگی در نجف اشرف و خدمات فرهنگی چاپخانه‌ها از زمان ورود اولین چاپخانه به نجف تا به امروز است، خواه آنها که از بین رفته و خواه آنها که باقی مانده‌اند، همانگونه که در صفحات گذشته از آن سخن گفتیم. بدون شک این معجم، به حول و قوه‌ی الهی اثر و شأن خاص خود را خواهد داشت، و در واقع راهنمای مختصریست در دست فرزندان زبان قرآن و دیگران، که اشراف بر کتب و رسائل کوچک در عرصه‌های مختلف فرهنگ را برایشان ممکن می‌سازد.

اما اعلامیه‌های تجاری و موارد مشابه آن بدون شک بسیارند و ذکر آنها بی‌فایده است، از این رو از آنها چشم‌پوشی کردم، زیرا راهی برای گردآوری و ارائه آنها بطور کلی نیست....

ادعا نمی‌کنم که آنچه که در این معجم گردآمده کامل است، اما یقین دارم متون چاپ شده دیگری از نجف هستند که موفق به مشاهده آنها به هدف ثبت نشدم. زیرا صاحبان چاپخانه‌ها یک نسخه از متون چاپ شده را نیز برای تاریخ نگاه نداشته‌اند و بسیاری از آنها چیزی از این متون نمی‌دانند. همینطور، کتابخانه‌ای عمومی یا خصوصی را نیز نیافتیم که از زمان نشر و چاپ تاکنون متون چاپ شده نجف را بطور کامل گرد آورده باشد، بلکه این متون در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی پراکنده‌اند.

در دوران اخیر و در این روزها، توجه مردم به گردآوری مطبوعات نجف و نگهداری آن و تلاش در جهت بهره‌بردن از هر متن چاپ شده نجف و تألیف کتب و گزارش‌های نفیس از هر کتاب چاپ شده‌ایست و همچنین تخصیص بخش خاصی که دربردارنده مطبوعات نجف است، پس از آنکه دریافتند این متون میراث عظیم فکریست و بر آنها است که به آن اهمیت داده و در جمع‌آوری آن بر یکدیگر سبقت گیرند.

پس از آنکه این مطبوعات جایگاه و مسیر خود را در زندگی یافتند و منتشر گشتند و شهرت آنها عراق را فرا گرفت، اثر فراوان و مهم آن در مراحل فکری و جهانی تمدن معلوم گردید.